

بررسی حسادت و آثار منفی آن از دیدگاه فقه و تربیت

حورا گلچهره^۱، طاهره کریمی^۲

چکیده

خداوند می‌خواهد که همه انسان‌ها ذهن و روحی سالم داشته باشند. بی‌شک، زندگی پرنشاط و خوشحالی منظور پروردگار است و ذهنیت‌های نادرست، این وضعیت مطلوب را برهم می‌زند. یکی از ذهنیت‌های نامطلوب، حسادت است. شارع مقدس برای پاک بودن روحیه انسان، برخی رفتارهای نادرست را حرام کرده که یکی از آن رفتارها حسادت است. حسادت در نزد شارع مبعوض است. یکی از وظایف والدین این است که کودکان را از نظر جسمی و روانی سالم تربیت کنند چون کودک امانت خداست و کوتاهی در تربیت هرچند جسمی و روانی، درست نیست. ضروری است که حسادت نیز درمان شود. مقاله حاضر درباره حسادت و آثار منفی آن، عوامل حسادت و راه حل این رفتار نادرست را از نظر فقه و تربیت بررسی می‌کند. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری مطالب، کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: حسادت، تربیت، فقه، آثار منفی، فقه و تربیت، اسلام.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد فقه تربیتی از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: Gulljwadi@gmail.com

۲. مربی و مدیر گروه علمی-تربیتی فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: t.karimi.qom@gmail.com

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. حسد در لغت

حسد یعنی، رشک و بدخواهی و به معنای تمنا و آرزوی نابودی نعمت است (جوهری، ۱۴۰۷، ۴۶۵/۲) و حتی ممکن است در نابودکردن آن نعمت تلاشی هم انجام شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۳۴).

۱-۲. حسد در اصطلاح

حسد روحیه خواری و خودکم‌بینی است که فرد حسود در خود می‌بینید و به دنبال آن آرزو می‌کند که فردی که نعمتی واقعی یا خیالی دارد از آن نعمت محروم شود، حال چه آن نعمت واقعی یا خیالی را خود داشته باشد و یا نداشته باشد یا به او برسد یا نرسد. (خمینی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵؛ نراقی، ۱۳۸۱، ص ۳۴۷) حسد، آرزوی نابودی نعمت‌های دیگران و خواستن آن نعمت‌ها فقط برای خود است (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵). یکی از گناهان خطرناک و کلیدی که گناهان متعددی را در پی دارد حسد است. راغب اصفهانی در تعریف حسد می‌گوید: «الحسد تمنی زوال نعمه من مستحق لها و ریما کان مع ذلک سعی فی ازالتها؛ حسد، آرزوی زوال نعمت از مستحق آن است و گاه همراه این آرزو تلاشی هم در زوال نعمت انجام می‌گیرد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۱۸). در روایات نیز به این معنی اشاره شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الحاسد یری ان زوال النعمه عمن یحسده نعمه علیه؛ حسود زوال نعمت را از دیگران آرزو می‌کند و فکر می‌کند زوال نعمت از دیگران و کسی که به او حسادت ورزیده نعمتی برای اوست درحالی که چنین نیست» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ۱۰۱/۳). در اربعین حدیث امام خمینی رحمته الله علیه آمده است: «حسد یک حالت نفسانی است که صاحب آن آرزو می‌کند سلب کمال و نعمت متوهمی را از غیر؛ چه آن نعمت را خود دارا باشد یا نه و چه بخواهد به خودش برسد یا نه و آن غیر از غبطه است؛ چه که صاحب آن (غبطه) می‌خواهد از برای خود نعمتی را که در غیر توهم کرده است بدون آنکه میل زوال آن را از او داشته باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵).



۲. ماهیت حسد

حسد یعنی، عدم خشنودی از داشته‌های نعمت دیگران و آرزو کردن نابودی و زوال نعمت مردمان. حسود با ابزار حسد، عدم پیشرفت دیگران را می‌خواهد. حسود نمی‌تواند دیگران را ببیند. او فقط خود را می‌بیند و فکر می‌کند تنها خود لایق همه نعمت‌هاست. حسود همه چیز را برای خود می‌خواهد، نعمت‌های مادی دیگران را بر نمی‌تابد، موقعیت‌های اجتماعی همگان را با تیر حسد نشانه می‌گیرد و شاخصه‌های علمی و اخلاق دیگران را به‌انکار می‌کند. فرد حسود در حسادت لحظه‌به‌لحظه بر عطا‌هایی است که از خدای منان به افراد شایسته و بایسته رسیده است. «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ یا اینکه نسبت به مردم (پیامبر ﷺ و خاندانش) و بر آنچه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد می‌ورزند» (نساء: ۵۴). حسود، همچون چاه‌کنی است که هر لحظه برای دیگران در چاه‌کنی است. او در اندیشه و در عمل، بودن خود را در نابودی دیگران می‌بیند. حسد انسان را خودمحور و خودبین می‌کند. حسد بیماری است. حسد از رذایل اخلاقی و در تباهی حاسد و محسود است. علمای کرام، حسد را در بخشی خاص بانام مُهلکات، ارائه، واکاوی و عرضه درمان کرده‌اند (غزالی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۸).

حسد زاییده کبر است و حسد صفات شیطانی است. آن هنگام که حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را خلق کرد اسماء و صفات خود را به او تعلیم می‌دهد: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا؛ سپس علم اسماء، علم اسرار آفرینش و نام‌گذاری موجودات را همگی به آدم آموخت» (بقره: ۳۱).

«وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ؛ و در او از روح خود (یک روح شایسته و بزرگ) دمیدم، همگی برای او سجده کنید». (حجر: ۲۹) خدای سبحان از روح خودش در آدم دمید و به فرشتگان حکم کرد به آدم سجده کنند. فرشتگان امر خداوند را به اطاعت می‌آیند، در سجده برآدم بر یکدیگر سبقت می‌گیرند، اما ابلیس به دلیل کبر و غرور، خود را بالاتر از آدم می‌بیند و لطف و الطاف خداوندی بر آدم را نمی‌بیند. موقعیت آدم در جهان هستی بر او سنگین می‌نماید. در نتیجه حسادت را به انتخاب می‌آید و از امر خداوند که سجده بر آدم بود آن را انکار می‌کند. «أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ؛ تکبر ورزید و به دلیل نافرمانی و تکبرش از کافران شد» (بقره: ۳۴).

حسادت ابلیس بر آدم موجب اخراج او از درگاه خدا شد: «قَالَ فَأَخْرَجَ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيمٌ؛ از صف آنها [فرشتگان] بیرون رو که رانده شده‌ای از درگاه ما» (حجر: ۳۴). ابلیس هم به تلافی اخراج از دایره انس خداوندی در حسادت بیشتر می‌شود و در سوگند به عزت خدا کمر همت به نابودی آدم و آدمی می‌بندد: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ؛ گفت به عزت سوگند همه آنان را گمراه خواهم کرد» (ص: ۸۲)، پس در دنیا ابلیس اولین حاسد است و آدم اولین محسود.



۳. عوامل رشد حسادت در کودکان

۳-۱. شرایط خانواده و تفاوت‌های فردی

رقابت و چشم‌وهم‌چشمی فرزندان نسبت به یکدیگر که گاه رقابت هم شیرها نامیده می‌شود یکی از زمینه‌های مساعد و عمده رشد حسادت در کودکان است و والدین آن را طبیعی و غیرقابل اجتناب می‌دانند. با توجه به چنین شرایطی می‌توان گفت که اولین فرزند نسبت به کودکان بعدی حسادت بیش‌تری از خود نشان می‌دهد؛ زیرا او مدت‌ها تمام محبت و مواظبت پدر و مادر را به خود اختصاص داده بود، ولی با تولد فرزند دوم این فرصت از او گرفته می‌شود و همین موجب تحریک حسادت او نسبت به او می‌شود. (تمیمی آمدی، ۱۴۰۷، ۵۳۱/۴)

۳-۲. برخوردهای تبعیض‌آمیز

امتیاز و تبعیض، حسادت را به دنبال دارد. کسی که نسبت به دیگری امتیاز ویژه‌ای دارد در معرض حسادت دیگران قرار می‌گیرد. امام علی علیه السلام فرمود: «كُلُّ ذِي رَتْبَةٍ سَنِيَّةٍ مُحْسُودٌ؛ هر شخص دارای امتیاز و رتبه شایسته مورد حسادت واقع می‌شود». برخی از پدران و مادران به دلایل گوناگون، بعضی از فرزندان را بر خواهران و برادران خود ترجیح داده مورد توجه و محبت بیشتری قرار می‌دهند چنان‌چه گاهی جنسیت فرزندان، عامل تبعیض می‌شود. مادران بیشتر با پسران خود صمیمی و پدران بیشتر محبت خود را متوجه دختران می‌کنند. در نتیجه، فرزندی که از طرف یکی از والدین محبت و ملامت کم‌تری دریافت می‌کند و شاهد رفتاری غیرعادلانه است نسبت به فرزند دیگر حسادت می‌ورزد و از وی متنفر می‌شود. وقتی والدین با تولد نوزاد جدید، بیشترین

تماس و نوازش خود را به وی اختصاص می‌دهند سایر فرزندان احساس می‌کنند که این نوازد سبب فراموشی آنها شده است و به او حسادت می‌کنند (ایلینگورث، ۱۳۷۱، ص ۳۶).

۳-۳. احساس محرومیت

یکی دیگر از زمینه‌های بروز حسادت، شرایطی است که کودکان احساس می‌کنند از دارایی‌های مادی و یا هر نوع دارایی دیگری مانند دارایی‌های عاطفی محروم شده‌اند. اسباب بازی، لباس یا هر شیء مورد علاقه دیگری ممکن است زمینه حسادت کودک را نسبت به دیگری فراهم کند. این نوع حسادت که از علاقه شدید به چیزی ناشی می‌شود گاهی غبطه خوانده می‌شود. تهیه چند چیز و تقسیم آن به طور مساوی بین فرزندان، مشکل حسادت را حل می‌کند؛ زیرا در هر صورت، کودکان بزرگ‌تر به دلیل ارشد بودن احساس می‌کنند که باید سهم بیشتری نسبت به دیگران داشته باشند. والدین می‌توانند با توضیح و توجیه و فراهم کردن مقدمات فکری و شناختی از بروز حسادت جلوگیری کنند. (فیض کاشانی، ۱۳۹۶، ۳۲۵/۵)

۴. آثار منفی حسادت بر کودکان

۴-۱. آثار جسمی

حسد موضوعی است مورد توجه و تحقیق علمی بیشتر. فعل و انفعالات عملکرد شناختی مانند فعالیت غدد درون ریز و واکنش دستگاه‌های عصبی هنگام بروز و ادامه یافتن این حالت هیجانی باید مورد توجه بیشتر قرار گیرد. (صفورایی، ۱۳۸۹، ص ۴۹)

در روایات بسیاری آثار جسمی حسد مورد توجه قرار گرفته است. در برخی روایات آمده است: «الحسدُ یذیبُ الجسدَ؛ حسادت بدن را ذوب می‌کند» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۲۵۰/۷۳). در برخی روایات، حسد به زنگار و بدن به آهن تشبیه شده است. همان‌طور که زنگار به تدریج موجب نابودی آهن می‌شود حسد نیز بدن را از بین می‌برد. در اجتماع به وضوح این آثار جسمی در افراد حسود دیده می‌شود. با کمی تفکر و مراجعه به مشاوران متخصص و دلسوز می‌توان به ریشه بروز حسادت پی برد و آن را خشکاند.

۴-۲. آثار روانی حسد

حسد به ویژه در سال‌های رشد اهمیت زیادی دارد. حسادت در سال‌های اولیه رشد چندان عمقی ندارد. از این رو، آثار آن زودگذر است و با از بین رفتن شرایطی که باعث حسادت شده است آثار آن نیز از بین می‌رود. برای مثال، هنگامی که دو کودک به دلیل اسباب بازی مورد علاقه‌شان باهم درگیر می‌شوند اگر اسباب بازی بشکند یا بزرگ‌ترها اسباب بازی را از آنها بگیرند مدتی بعد رفتار صلح‌آمیز از سر گرفته می‌شود، اما در سال‌های بالاتر، حسادت عمیق‌تر و پابرجاتر است و گاه چندین سال ادامه می‌یابد. در این موارد آثار روانی نامطلوب حسادت آشکار می‌شود. این نکته در روایات متعدد تأکید شده و به آثاری از حسادت مانند اندوه مداوم اشاره شده است. حسود نسبت به چیزی محزون است که توانایی تغییر آن را ندارد. او از محرومیت خود رنج می‌برد، در حالی که نه قدرت سلب آن نعمت را از دیگری دارد و نه توانایی کسب آن را برای خود. حسادت حتی بهره‌مندی فرد را از چیزهایی که در اختیار دارد و لذت بردن از نعمت‌های موجود را از او سلب می‌کند. امام علی علیه السلام فرمود: «لَا يَطْمَعَنَّ الْحَسُودُ فِي رَاحَةِ الْقَلْبِ»؛ حسود نباید به آسودگی دل امید بندد» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۲۳/۲۵۰). حسادت، فرد را از آسایش روانی محروم می‌کند و در درازمدت باعث بروز بیماری‌های سخت روانی می‌شود.

۵. راه‌های درمان رشد حسادت در کودکان

باتوجه به اینکه عوامل بزرگ تربیت انسان، والدین و خانواده هستند والدین باید فرزندان حسود را از راه‌های مختلف درمان کنند. والدین نباید فرزندان حسود را توبیخ کنند، بلکه باید رفتارهای خوب را در او پرورش دهند. باید حسادت آنها را نادیده بگیرند و احساس ارزشمندی، شخصیت و محبوبیت را در او تقویت کنند. برای کاهش حسادت کودک نسبت به نوزاد می‌توان پیش از تولد، کودک را از ورود وی آگاه کرد و پس از تولد نیز در طول روز، مدتی را با کودک بزرگ‌تر سپری کرد و او را مورد مهر و نوازش قرار داد. در مورد کودکان کوچک‌تر نیز می‌توان شیء خاصی از طرف نوزاد به او هدیه داد و در نگهداری و انجام کارهای نوزاد او را سهیم کرد. راه دیگر این است که والدین عدالت را بین فرزندان



رعایت کنند و در محبت بین فرزندان افراط و تفریط نکنند. این نکته در آموزش های تربیتی اسلام آمده و سفارش شده است که نسبت به فرزندان به عدالت رفتار کنید. (ایلینگورث، ۱۳۷۱، ص ۹۳) با پنهان کردن برتری و برجستگی یکی از فرزندان نسبت به دیگری می توان جلوی حسادت آنها را گرفت. حضرت یعقوب علیه السلام به فرزندش حضرت یوسف علیه السلام سفارش می کند که خواب نویدبخش خود را برای برادرانش نقل نکند، مبادا باعث حسادت آنان گردد (مجلسی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۵).

۶. نشانه های حسد در بزرگسالان

ناراحتی از رسیدن نعمت به دیگری بدون نشان دادن عکس العمل، غیبت و عیب جویی، دشمنی، عداوت و کارشکنی، بی مهری یا قطع رابطه از شخص و پنهان کردن صفات برجسته او به طوری که حتی نمی خواهد سخنی از او بشنود از نشانه های حسد در بزرگسالان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۱۳۸/۲)

۷. آثار حسد

۱-۷. آثار اجتماعی

- حسود تمام یا بیشتر نیرو و انرژی بدنی و فکری خود را صرف حسادت می کند. این کار منشأ نابسامانی های اجتماعی است. قرآن مجید می فرماید: «و کسانی که بعد از آنها آمدند، می گویند: پروردگارا ما و برادرانمان را که در ایمان به ما پیشی گرفتند بیامرز و در دل هایمان کینه و حسدی نسبت به مؤمنان قرار مده» (حشر: ۱۰)؛

- قتل ها و جنایت ها: چنان که در داستان هابیل و قابیل آمده است؛

- فرد حسود تنهاست؛ زیرا دیگران از او دوری می کنند و با او جمع نمی شوند. امام

علی علیه السلام می فرماید: «الْحَسُودُ لَأَخْلَهُ لَهُ؛ حسود، دوستی ندارد» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۷، ص ۸۸۵)؛

- عقب ماندگی اجتماعی: اشخاص حسود و تنگ نظر می کوشند دیگران را به عقب بکشند؛

- هرج و مرج: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حسد را به بیماری بزرگ امت‌ها تشبیه کرده و می‌فرماید: «در اثر اختلاف و نفاق و حسد نسبت به یکدیگر سرانجام به ظلم و ستم و سپس به هرج و مرج مبتلا می‌شوند» (خانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲).

۲-۷. آثار معنوی حسد

انسان حسود ریشه‌های اعتقادی و ایمانی خود را به تدریج از دست می‌دهد. بدین ترتیب تمام روح او را بغض و حسادت می‌گیرد. «إِنَّ الْحَسَدَ لَيَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ؛ حسد ایمان را می‌خورد همان‌طور که آتش هیضم را می‌خورد» (فیض کاشانی، ۱۳۹۶، ۵/۳۲۶). حسد نابودکننده ایمان، آفت دین، نابودکننده نیکی‌ها، رسیدن به کفر و تفکرات کفرآمیز، غیبت، حسرت و گناه زیاد است و حجاب ضخیمی در برابر شناخت حقایق می‌افکند. حسد مانع رشد و تعالی روحی، فکری، معنوی، خانوادگی و اجتماعی می‌شود (خانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵).

۳-۷. آثار جسمانی حسد

انسان حسود همیشه ناراحت است و این ناراحتی باعث بسیاری از بیماری‌های جسمی و روحی می‌شود. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «الحسود مغموم؛ حسود دائم در ناراحتی و غم است» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۷۳/۲۵۶). شخص حسود آرامش ندارد و فکرش دائم در حال حسرت و ناراحتی است. «الحسود لایسود؛ صاحب حسد، سود و بزرگی نمی‌برد» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۱، ۱/۲۵۵). «صِحَّةُ الْجَسَدِ مِنْ قَلْبِهِ الْحَسَدُ؛ صحت جسم در کمی حسد است» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۷۰/۲۵۶).

۴-۷. آثار اخروی حسد

انسان حسود بدون حساب به جهنم می‌رود، بدبختی و شقاوت دنیا و آخرت را می‌خرد. (خانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲)



۸. برخی از ویژگی‌های حسود

شخص حسود، دشمن خیر و طالب شر است، خواهان زوال نعمت از دیگران است، به بدی گرایش دارد، منافق است، غیبت، شماتت و تملق می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: «انَّ تَصْبِكَ حَسَنَةٌ تَسُوْهُمُ وَاِنَّ تَصْبِكَ مَصِيْبَةٌ؛ اگر تو را حادثه‌ای خوش نصیب شود سخت بر آنها ناگوار آید و اگر تو را زحمتی و رنجی پیش آید خوشحال شده» (توبه: ۵۰)، در حال خوشی دیگران غمگین است، رفیق بدی است، دشمن نعمت‌های خداست، به خود ظلم می‌کند، زود عصبانی می‌شود (خانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲). فرد حسود به گناهان دیگر نیز آلوده می‌شود. حسد ریشه امراضی مانند حب دنیا، حب ریاست، حب نساء، راحت‌طلبی و مال‌اندوزی است (کلینی، ۱۳۹۰، ۷۷۱/۳). فرد حسود به دلیل ناراحتی که از دارندگی دیگران دارد به راحتی دروغ می‌گوید، تهمت می‌زند و دشمنی می‌کند؛ زیرا درصدد از بین بردن نعمت‌های آن فرد است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «الْحَسُوْدُ كَثِيْرُ الْحَسْرَاتِ وَ مُتَّصِعُ السِّيْئَاتِ؛ حسود بسیار حسرت و اندوه دارد و گناهانش پیوسته افزوده می‌شود» (کلینی، ۱۳۹۰، ۱۵۲۰/۳).

۹. راه علاج حسد

۹-۱. علاج علمی حسد

در این روش، شخص حسود متوجه می‌شود که حسد خسران دنیا و آخرت را برایش به‌ارمغان آورده است؛ زیرا حسد عبارت است از خشم بر قضای الهی و ناخوش داشتن نعمت خدا که خداوند آن نعمت را بین بندگان تقسیم کرده است. حسود از عدل الهی بیزار است و این جنایت بزرگی است که در حق خداوند عادل و حکمت‌او معترض شده است. از طرف دیگر بداند که با حسد به مؤمنین و بندگان خدا حسد می‌ورزند. حسود باید بداند که علاوه بر آسیب‌های دینی و دنیایی دچار آسیب‌های جسمانی و روحی مانند ناراحتی جسمی، افسردگی، بی‌خوابی، غم و غصه دائمی و کوتاهی عمر شده و تمام اطرافیان نسبت به او احساس تنفر می‌کنند. حسود بداند که این رذیله فایده‌ای برای او ندارد، بلکه فایده‌اش نصیب محسود است؛ زیرا تهمت و بدگویی از

او باعث ازبین رفتن حسنات خود حاسد و افزوده شدن بر حسنات محسود است. حسود باید بداند که حسادت برای او ثمره‌ای جز تعب و زحمت ندارد و هرگز او را به خواسته‌هایش نمی‌رساند. (سعیدیان، ۱۳۸۵) امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لَيْلَهُ دَرُّ الْحَسَدِ مَا أَعْدَلَهُ بَدَأُ بِصَاحِبِهِ فَفَقْتَلَهُ؛ سوگند به خدا خیر زیاد بر حسد باد که چقدر عادل است ابتدا از صاحبش آغاز می‌کند و او را می‌کشد» (سید رضی، ۱۳۸۷). بهترین راه علاج این بیماری آن است که حسود به عاقبت حسادت و آثار آن فکر کند. حسود بداند که حسادت نابودی فرسایشی است که ایمان و اعتقاد او را ذوب، حسنات را نابود و انسان را برده شیطان می‌کند و مانع رشد و ترقی او می‌شود، امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد، هیچ‌کس را ثروتمندتر و زیباتر و توانمندتر نمی‌کند، ریشه‌کینه و عداوت است و دوستی و محبت را زایل می‌کند. حسود نباید به محرومیت‌ها فکر کند، بلکه باید به موفقیت‌ها توجه کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که به وضعیت خود راضی باشد حسد بر او چیره نمی‌شود» (رفیعی محمدی، ۱۳۹۵، ص ۸۶).



۹-۲. علاج عملی

روش دیگر برای علاج بیماری حسد بهره‌گیری روش عملی است؛ یعنی حسد و تمام اقوال و افعالی که حسد اقتضا می‌کند را محکوم کند و خود را به انجام نقیض آن اعمال مکلف کند. برای مثال اگر حسد اقتضا می‌کند که متعرض آبروی محسود شود زبانش را به مدح و ثنای او مکلف کند و اگر موجب قطع بخشش و احسان و یا خوش‌رویی به او می‌شود خود را به بخشش و محبت به او وادار و همیشه سعی کند ثنای محسود را بگوید. (سعیدیان، ۱۳۸۵) امام سجاد علیه السلام چنین دعا می‌کند: «خدایا! مرا موفق بدار تا به کسی که مرا ترک کرده نیکی کنم و به کسی که محروم نموده، بذل کرده به کسی که با من قطع رابطه کرده، پیوند نمایم» (صحیفه سجادیه، دعای مکارم‌الاخلاق). مراجعه به معارف بلند قرآنی و روایی راحت‌ترین راه درمان تمام رذایل از جمله حسد است.

۱۰. حکم رعایت عدالت در محبت بین فرزندان

یکی از عوامل مهم و مؤثر در تربیت فرزندان که از حقوق آنهاست رعایت عدالت و مساوات میان آنها به ویژه در محبت هدیه و بخشش های مالی است؛ زیرا در صورت امتیاز دادن بی دلیل به بعضی از فرزندان، بعضی دیگر تحقیر و باعث اختلاف بین آنها و بروز حسادت بین کودکان می شود. مشهور بین فقهای امامیه این است که رعایت عدالت و مساوات بین فرزندان مستحب و امتیاز دادن بی مورد به بعضی مکروه و ناپسند است. امام خمینی رحمته الله علیه می فرماید: «بجوز تفضیل بعض الأولاد علی بعض فی العطیة علی کراهیة، و ربّما یحرم اذا کان سبباً لاثاره الفتنة والشحناء و البغضاء المؤدیة الی الفساد؛ جایز است برتری دادن بعضی فرزندان بر بعضی دیگر در عطیه، اما این عمل مکروه است و چه بسا اگر این عمل باعث اختلاف، فتنه، دشمنی و فساد شود حرام باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۹۲).

۱۱. مراتب حسد و حکم آن

۱-۱۱. خطور قلبی

اولین مرحله این است که در لحظه ای که باخبر می شود فلان نعمت به کسی و یا فردی که رقیب اوست، رسیده است بی اختیار ناراحتی در قلب او خطور می کند و آرزوی زوال آن نعمت را می کند. همه گرفتار این مرحله هستند و گناهی بر آن بار نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۱۴۳/۲) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ثلاث لا ینجو منهن احد الظن و الطیرة و الحسد و ساحتکم بالمخرج من ذلک اذا ظننت فلا تحقق و اذا تطیرت فامض و اذا حسدت فلا تبغ؛ سه چیز است که هیچ کس از آنها رهایی ندارد: گمان (بد)، فال بد و حسد و من راه نجات از آنها را برای شما بازگو می کنم. هنگامی که گمان بد درباره کسی بردی به آن، ترتیب اثر مده و هنگامی که فال بد زدی، اعتنا مکن و به کار خود ادامه بده و هنگامی که حسد ورزیدی، ستم نکن و در عمل آن را دنبال نکن» (غزالی، ۱۳۸۶، ۷۶/۱).

۱۱-۲. مشغول داشتن دل

مرحله دوم که برخی آن را اختیاری دانسته‌اند و باید از آن دوری جست، این است که انسان دل را به آن مشغول دارد و مرتب خطورات قلبی را در ذهن تکرار کند. این را هم برخی گناه شمرده‌اند. مرحوم نراقی می‌گوید: «هرگاه حسد آدمی را به افعال و گفتار ناپسند وادار کند گناه کرده. همچنین اگر از اظهار و ابراز آن خویشتن داری کند و از رفتار و گفتاری که دلالت بر حسد نماید، پرهیز کند، ولی در باطن زوال نعمت محسود را طالب و به درد و رنج او راغب باشد و از این نظر احساس ناراحتی نکند و بر خود خشمگین نباشد باز گناه کرده است». در روایت آمده است: «و قل من ینجو منهن؛ کم هستند کسانی که از حسد و گمان بد و فال بد نجات می‌یابند» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ۱۰۱/۳). شاید منظور همین قسم دوم باشد؛ زیرا از قسم اول، هیچ فردی رهایی ندارد؛ یعنی غیراختیاری است و قسم دوم است که اختیاری است و از آن راه نجاتی وجود دارد.



۱۱-۳. ابراز حسد

مرحله سوم این است که حالت قلبی از کنترل انسان خارج شود و با سخنان و اعمال خلاف مانند غیبت و... آن را بروز دهد و برای زوال نعمت و انتقام تلاش کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۱۴۳/۲) این همان حسدی است که حرام و از گناهان کبیره است و آثار زیان بار پیش گفته بر آن مترتب می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الان المؤمن لایستعمل حسده؛ مؤمن حسدش را به کار نمی‌بندد و به دنبال تخریب دیگران نمی‌رود» (حرعاملی، ۱۳۸۷، ۲۹۳/۱۱).

۱۱-۴. چشم‌دوزی به اموال دیگران

چشم‌دوزی به اموال دیگران از روی حسادت حرام است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۱۴۳/۲) «لا تمدن عینیک الی ما متعنا به ازوجا منهنم؛ هرگز چشم خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از آنها (کفار) دادیم، می‌فکن و به خاطر آنچه آنها دارند، غمگین مباش و بال (عطوفت) خود را برای مؤمنین فرود آر» (حجر: ۸۸). شاید مقصود، چشم‌دوختن به اموال دیگران از روی حسادت و به قصد تملک غاصبانه باشد (مقدس اردبیلی، ۱۳۸۶، ص ۴۰۷).

۱۲. حکم حسادت

از نظر شرعی، حسد از مقوله گناه است. ارتکاب گناه هم عدالت را زائل می‌کند در نتیجه حسد، عدالت را به زوال می‌آید. آثار مترتب بر این زوال، عدم پذیرش شهادت حسود، عدم شایستگی او برای قضاوت، امامت جماعت و... است. (روزنامه کیهان، ۱۳۹۶، شماره ۲۱۷۹۹) باتوجه به آیات و روایاتی که درباره حسد وارد شده است، دیده می‌شود که همگی در نهی و دوری از فعل حسد است و این نهی به معنای حرمت و حرام بودن حسد است. در بحارالانوار ذیل روایات حسد آورده است: «حسد مطلقاً حرام است. بنابر قول مشهور و آنچه در بعضی از روایات آمده است مگر در نعمتی که به کافر و فاجر برسد که آنها آن نعمت را صرف ایجاد فتنه، فساد و اذیت مردم می‌کنند، اشکال ندارد که نسبت به آن نعمت حسد داشت و آرزوی نابودی آن نعمت را داشت» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۲۳۹/۷۰). حسد مراتبی دارد که در مرتبه اول، فرد فقط در ذهنش حسادت دارد و بعد آن را بروز می‌دهد و بعد در افعال و رفتارش خواهان نابودی آن نعمت است و حتی تلاش می‌کند که از بین برود. این حرمت و حرام بودن مربوط به بروز در افعال و رفتار است و شدیدترین و مبعوض‌ترین درجه حسد است (تمیمی آمدی، ۱۳۸۱، ص ۸۸۵). حسادت به دیگران حرام است. «قل اعوذ برب الفلق. من شر ما خلق. و من شر حاسد اذا حسد؛ بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده صبح از شر تمام آنچه آفریده است و از شر هر حسودی هنگامی که حسد می‌ورزد» (فلق: ۵-۱).

۱۳. نتیجه‌گیری

حسادت معانی مختلفی دارد. حسادت، روحیه و ذهنیتی است که انسان به دنبال نابودی نعمت دیگران باشد و این روحیه باعث می‌شود که انسان بسیاری از گناهان دیگر را هم مرتکب شود. کسی که حسود باشد شهادت آن پذیرفته نمی‌شود و عدالت از آن فرد زائل می‌شود. اگر به دلیل حسادت غیبت کند این سبب و مقدمه کار حرام می‌شود. حسادت حرام است. والدین باید عدالت را بین فرزندان رعایت کنند، رفتار کودک حسود را نادیده بگیرند و از راه علمی و عملی این بیماری درونی را درمان کنند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر.
- * نهج البلاغه
- * صحیفه سجادیه
۱. ایلینگورث، رونالد (۱۳۷۱). کودک و مدرسه. مترجم: نوایی نژاد، شکوه. تهران: انتشارات جوانه رشد.
۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۸۱). غررالحکم ودررالكلم. قم: انتشارات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۳. جوهری، ابونصر (۱۴۰۷). الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية. بیروت: انتشارات دار العلم للملایین.
۴. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). وسائل الشیعه. قم: انتشارات اسلامیه.
۵. خانی، حسن (۱۳۸۶). حسد از دیدگاه قرآن و روان شناسی. نشریه بشارت، شماره ۵۹، ص ۱۲-۱۶.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: انتشارات دار الشامیه.
۷. رضی، محمد بن حسین (۱۳۸۷). نهج البلاغه. مترجم: دشتی، محمد. قم: انتشارات الهادی.
۸. رفیعی محمدی، ناصر (۱۳۹۵). گفتار رفیع. قم: انتشارات معروف.
۹. روزنامه کیهان: <https://www.magiran.com/article/v,ckhli>
۱۰. صفورایی پاریزی، محمد مهدی (۱۳۸۹). حسادت، زمینه های رشد و راه های جلوگیری از آن. نشریه معرفت، شماره ۳۸، ص ۴۹-۵۳.
۱۱. غزالی، محمد بن محمد (۱۳۸۳). کیمیای سعادت. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۱۲. غزالی، محمد بن محمد (۱۹۸۶). اربعین فی اصول دین. قاهره: انتشارات الکلایات الازهریه.
۱۳. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۳۹۲). سه رساله. تهران: انتشارات تک تاج.
۱۴. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۳۹۶). محجه البیضاء. تهران: انتشارات فرهوش.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۰). اصول کافی. تهران: انتشارات دار الثقلین.
۱۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). بحار الأنوار. قم: انتشارات اسلامیه.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶). میزان الحکمه. قم: انتشارات دار الحدیث.
۱۸. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۸۶). زبده البیان فی الاحکام. تهران: انتشارات المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۲۰. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۶). اربعین حدیث. تهران: انتشارات آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۱. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۲). تحریر الوسیله. تهران: انتشارات آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۲. موسوی سعیدیان، محسن (۱۳۸۵). بخل و حسد دو شمشیر شیطان. تهران: انتشارات تام.
۲۳. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۸۱). معراج السعاده. قم: انتشارات هجرت.

